

Greek Myths
Lucilla Bunn

اسطوره‌های یونانی

پرونده: اسطوره‌های یونانی
نویسنده: لوسیلا بون
مترجم: عباس مخبر
تعداد صفحات: ۱۷۲
تاریخ انتشار: ۱۳۹۵
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸۸-۰-۲

لوسیلا بون

ترجمه‌ی عباس مخبر

Instagram: @nashpazar

۷
۹
۲۱
۳۳
۴۱
۵۷
۷۹
۸۵
۸۶
۱۰۱
۱۰۹
۱۱۱



نشر مرکز

کارهای بزرگ (خوان‌های) هراکلس

هراکلس (هرکول)، بزرگترین پهلوان یونانی، فرزند زئوس و الگمنا بود. الگمنا زن پاکدامن آمفیتریون بود، و زئوس برای آنکه او را بفریبد، هنگامی که آمفی‌تریون بیرون از خانه بسر می‌برد، به هیأت او درآمد. هنگامی که شوهر به خانه بازگشت و متوجه شد چه اتفاقی افتاده است، چنان خشمگین شد که تل بزرگی از هیزم گرد آورد و آتشی برافروخت تا الگمنا را زنده بسوزاند، اما زئوس ابرها را فرستاد تا آتش را خاموش کند، و به این ترتیب آمفیتریون را مجبور کرد که این وضعیت را پذیرا شود. هراکلس از همان زمانی که به دنیا آمد تعجیل داشت که استعداد پهلوانی خود را نشان دهد. هنگامی که هنوز در گهواره بود، دو مار را که همسر حسود زئوس، هرا، برای حمله به او و برادر ناتنی‌اش ایفیکلس فرستاده بود خفه کرد. هنوز پسر بچه‌ای بیش نبود که یک شیر وحشی را در کوه کیتایرون از پای در آورد. پس از آنکه به دوران بلوغ پانهاد، ماجراهای او مفصل‌تر و تماشایی‌تر از پهلوانان دیگر بود. در دوران باستان محبوبیت فراوان داشت، و موضوع داستان‌ها و آثار هنری بی‌شمار بود. هر چند منسجم‌ترین منابع ادبی مربوط به دلاوری‌های او به قرن سوم ق م بازمی‌گردد، اما منابع پراکنده، و شواهد به دست آمده از منابع هنری روشن می‌سازند که اغلب ماجراهای او - اگر نه همه آنها - از نخستین دوران‌ها معروف بوده است.

هراکلس دوازده خوان معروف خود را تحت فرماندهی اوروستیوس، پادشاه آرگوس یا مسینی انجام داد. دربارهٔ اینکه چرا هراکلس خود را مجبور می‌دید که به کلیه درخواست‌های خسته‌کننده و به ظاهر ناممکن اوروستیوس پاسخ گوید، تبیین‌های مختلفی ارائه شده است. به نوشتهٔ یکی از منابع، هنگامی که پهلوان در حالتی از دیوانگی، کلیهٔ فرزندان خود از ازدواج اولش را کشت، این خوان‌ها را غیبگوی دلفی بر او تحمیل کرد. شش خوان اول همگی در پلوپونز اتفاق افتاد، اما خوان‌های بعدی، هراکلس